

بنام خدا

استاد گرامی : دکتر نادری

دانشجو : حمیدرضا حیدری

عنوان : خلاصه مقاله ی ارائه شده
توسط استاد

تبیین جایگاه زبان در تقویت مبانی،
تصریح آموزش و یادگیری اهداف و
توسعه ی وسایل تربیت:

چکیده پژوهش حاضر به تبیین جایگاه زبان در تقویت مبانی،
تصریح اهداف و توسعه وسایل تربیت پرداخته است. روش
پژوهش تحلیل اسنادی بوده، جامعه پژوهش کلیه اسناد و مدارک
مرتبط با موضوع پژوهش می باشند که بدون نمونه گیری
بررسی شده اند. گردآوری داده ها به وسیله فرم فیش برداری
انجام و داده های حاصل به شیوه کیفی تحلیل شده اند. عمده ترین
یافته های پژوهش عبارتند از: ۱- زبان در تصریح مبانی
تربیت، می تواند به ترتیب در حوزه مبنای فلسفی با تحلیل زبان
تدریس و یادگیری، تحلیل نقادانه مفاهیم و اصطلاحات تربیتی و

توضیح ذهنیت انسان، در حوزه مبنای روان شناختی با کمک به تدوین نظریه های یادگیری، روان شناسی زبان و روان شناسی اجتماعی و در حوزه مبنای جامعه شناختی نیز با ترسیم رابطه زبان و فرهنگ، اهمیت زبان آموزشی کشور، تحکیم خط مشی های زبانی، تقویت هویت فرهنگی و روابط معلم - دانش آموز به تقویت مبانی تربیت کمک دهد. ۲- زبان در تصریح اهداف تربیت، می تواند به ترتیب در سطح فردی با بهبود رفتارهای زبانی فردی، سواد آموزی، تأمین دانش حداقلی قواعد زبانی جهت کار بست توانایی های سطح بالا، تفکر منطقی و حل مسئله، در سطح اجتماعی با توسعه فرهیختگی، تقویت یادگیری مشارکتی، رشد مهارت های تعامل اجتماعی، شایستگی کنش گفتاری در روابط اجتماعی و در سطح جهانی با بهبود رفتارهای سطح بالا زبانی در شرایط جهانی شدن، برقراری ارتباط مطلوب با سایر فرهنگ ها به وضوح اهداف تربیت کمک دهد. 3- زبان در تصریح وسایل تربیت، می تواند به ترتیب در حوزه برنامه ریزی های آموزش و پرورش با تحلیل نیازهای آموزشی به لحاظ زبانی، برنامه ریزی زبانی و برنامه درسی زبانی، در حوزه تربیت معلم با ایجاد ارتباط موفق با دیگران و به کار بستن صحیح زبان، حل برخی مشکلات معلمان و توسعه توان تحلیل و آموزش تحلیلی مطالب و در حوزه تدریس و تفهیم با: تثبیت موقعیت اجتماعی دانش آموز در کلاس درس، امکان افزایش قدرت یادگیری، اصلاح و تقویت گفتگو به عنوان یکی از راهبرد های اصلی در تربیت فعال و وضوح و تمایز دهی به زبان محتوایی و تدریسی به توسعه وسایل تربیت کمک دهد.

امروزه دغدغه‌ی فکری بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف معرفت بشری از فلسفه و روان‌شناسی گرفته تا علوم اجتماعی و سیاسی، حول ناشناخته‌ترین جنبه‌ی وجودی انسان یعنی «زبان» تمرکز یافته است.

به رغم تعاریف متعدد ارائه شده از زبان توسط صاحب نظران، جالب آن است که همه آنان عمدتاً زبان را از جنبه‌ی اجتماعی و ارتباطی مورد ملاحظه قرار داده و مهم‌ترین نقش آن را برقراری روابط میان انسانها دانسته‌اند بنابراین در مقاله حاضر نیز بر همین جنبه‌ی ارتباطی تأکید شده و زبان را عبارت از نظامی از نشانه‌ها می‌دانیم که وسیله‌ی برقراری ارتباط و انتقال عقاید و احساسات است.

اندیشمندان برای کاوش در خصوص پدیده‌ی زبان به منظور افزایش و گسترش دانایی‌های انسان از دو رویکرد عمده‌ی تجربی و فلسفی استفاده نموده‌اند. رویکرد تجربی عمدتاً پیرامون بررسی و مطالعه‌ی علمی ماهیت و کارکردهای پدیده‌ی زبان و چگونگی ارتباط این پدیده با پدیده‌های دیگر است؛ در حالی که، در رویکرد فلسفی به بررسی عمیق ماهیت معنایی زبان و نحوه‌ی ارجاع آن پرداخته شده است.

رویکرد کاوش فلسفی در سیر تکوین خود حوزه‌های تحت عنوان فلسفه زبان را به وجود آورده است. هرچند که با توجه به نوظهور بودن این گرایش، نظرات مختلفی درباره‌ی حد و مرزهای آن وجود دارد لیکن به طور کلی می‌توان گفت که در این حوزه، ماهیت معنا و نحوه‌ی ارجاع آن. موضوع اصلی

بررسی بوده و به مسائلی چون معناداری، استلزام، نام گذاری، صدق و دلالت پرداخته می شود.

کاوش در پدیده ی زبان به منظور درک ماهیت، کارکردها و کاربردهای آن با استفاده از شیوه های مختلف پژوهشی، اندیشمندان را به مجموعه دانش هایی سوق می دهد که به دلیل وجود یک عامل مرکزی مشترک در تمامی آنها یعنی زبان، می توان از آنها با عنوان «دانش های زبانی یاد کرد. این دانش ها که به طور روز افزونی در حال گسترش هستند در افزایش درک و فهم ما از این پدیده بسیار مؤثرند.

تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ی رشد کامل توانایی های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان عضو جامعه ای مبتنی بر همبستگی و تعاون؛ مقصود از این تعریف نیز آن نوع تربیتی است که از تحول اجتماعی جدایی ناپذیر بوده و حتی از نیروهای تعیین کننده ی این تحول محسوب میشود.

در خصوص رابطه ی زبان و تربیت تا کنون مباحث بسیار زیادی مطرح شده است. زبان، هم به عنوان نظامی از نشانه ها و هم به عنوان وسیله ای ارتباطی، نقش مهمی در تربیت داشته و همچنین یکی از مهم ترین اهداف تربیت آموزش زبان است. در این باره، هالیدی (۱۹۷۹ / ۱۹۸۰) رابطه ی زبان و تربیت را در سه مقوله ی عمده تقسیم بندی کرده است: یادگیری زبان؟ یادگیری از طریق زبان. و یادگیری درباره ی زبان. در مقوله ی نخست. یادگیری مهارت های زبانی در سطوح مختلف (مانند خواندن، نوشتن، صحبت کردن. استدلال کردن. برقراری تعامل اجتماعی، و ...) از جمله اهداف تربیتی محسوب شده

است. در مقوله ی دوم. زبان به عنوان ابزار و وسیله ی تربیت محسوب شده و ارتباطات و تعاملات آموزشی در بستری زبانی اتفاق می افتد. در مقوله ی سوم نیز آموزش زبان (مانند

زبان های اول و دوم با زبان های رسمی و بیگانه محور رابطه ی زبان و تربیت قرار گرفته است.

همان گونه که ملاحظه می شود، روابط زبان و تربیت از دیدگاه هالیدی فقط در دو بعد اهداف و وسایل تربیت مدنظر قرار گرفته و از رابطه ی زبان و تربیت در بعد مبانی صحبتی به میان نیامده است. در زبان شناسی تربیتی نیز به شکلی یک سویه و از دیدگاه دانش زبان شناسی به امر تربیت نگریسته شده و اغلب به بررسی نیازهای معرفتی برای زبان آموزی و فراگیری زبان پرداخته شده است و لذا از تأثیرات دیگر زبان در تربیت خصوصاً در ابعاد مبانی و اهداف تربیتی سخن به میان نیامده است.

در بعد مبانی، این نکته که موضوع اصلی تربیت. شناخت انسان بوده و چگونگی های آن پایه و اساس تمامی نظریات و اعمال تربیت قرار می گیرد. شایسته توجه است. با در نظر داشتن قوه ی ناطقه به عنوان مهم ترین خصوصیت ذاتی انسانی، وضوح هرچه بیشتر زبان و کار کردهای آن توسط روش های تحلیلی و گسترش شناخت زبانی از خصوصیات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه می تواند به افزایش کیفیت و اثربخشی اعمال تربیتی کمک کند (۲۰، ۲۱ و ۲۲). این امر تا جایی اهمیت یافته است که دو رویکرد اخیر فلسفه تعلیم و تربیت، یعنی رویکردهای

تحلیلی و پسا تحلیلی، تحت تأثیر آن به وقوع پیوسته اند و تحولات بسیار مهمی را در عرصه ی تربیت ایجاد کرده اند.

در بعد اهداف زبان می تواند به عنوان منبع مبین و ترسیم کننده ی اهداف با فرایندهای تربیتی در ارتباط مطلوب قرار گیرد. اگر تفکر مسئله ی اساسی تربیت باشد، با پذیرفتن این نکته که زبان. وسیله ی تفکر و اساسی ترین نیاز آن است و بدون زبان جریان تفکر مختل و غیر ممکن خواهد شد. می توان اهمیت پدیده ی زبان را در بعد اهداف تربیت بهتر درک کرد.

جایگاه زبان در تقویت مبنای فلسفی تربیت:

با نگاهی به تاریخ فلسفه می توان سه دوره ی کلی را به لحاظ موضوعی از هم تفکیک نمود؛ دوره ی اول که شناخت هستی و علت غایی آن، دغدغه ی عمده ی فیلسوفان بوده است. دوره ی دوم که فاعل شناسا و چگونگی فهم و ادراک انسان مسئله ی اصلی بوده و دوره ی سوم که زبان و امکانات و محدودیت های آن مورد توجه قرار گرفته است. در دوره ی اخیر، فیلسوفان وجود زبانی» را در کنار «وجود عینی و ذهنی» از تقسیمات عمده ی «وجود» به حساب آورده اند و فلسفه های تحلیلی و تحلیل زبانی بخش های عمده ای از تفکرات آنها را در بر گرفته است.

در مجموع، استنباط بر این است که زبان در مبنای فلسفی تربیت. خصوصاً در دوران معاصر از جایگاه و اهمیت بسیار برخوردار شده به طوری که اغلب فیلسوفان در هر دو حوزه ی تحلیلی و قاره ای، تمایل بسیار در قرار دادن زبان در مرکز توجهات و تتبعات فکری خود دارند و از این رو حوزه ی معرفتی تربیت نیز که در مبنای خود نیازمند افکار فیلسوفان است از مورد توجه قرار گرفتن زبان در اندیشه های فیلسوفان بی نصیب نمانده است.

جایگاه زبان در تقویت مبنای روان شناختی تربیت:

دانش روانشناسی با حوزه های گوناگون و متنوع خود، مبنای بسیار مهمی برای تربیت محسوب می شود. اهمیت زبان در گرایش های مختلف این علم مانند روانشناسی پرورشی»، «روانشناسی زبان» روانشناسی رشد»، «روانشناسی اجتماعی» و غیره قابل تأمل است. موضوع اصلی گرایش روانشناسی پرورشی یادگیری است که به صورت مستقیم به تربیت مربوط است.

پدیده ی زبان با فرهنگ جامعه رابطه ی وسیعی دارد. فهم زبان مبتنی بر فهم فرهنگ آن و بالعکس است. تحلیل معانی زبان با تحلیل و درک فرهنگ آن زبان در تعامل است. در نتیجه، چون

آموزش و پرورش از بنیادهای فرهنگی جامعه محسوب می شود، ارتباط زبان با تربیت گریز ناپذیر خواهد بود.

انتخاب زبان آموزش از مسائل بسیار پیچیده نهاد آموزش و پرورش و از مسائل بالقوه ی سیاسی ای است که مدارس و نهادهای آموزشی بسیاری از کشورها با آن روبرو هستند. زبان ابزار اصلی تدریس و یادگیری و جزو بسیار مهم هر فرهنگ یا خرده فرهنگ است. اگر زبان سنتی یک فرهنگ را از آن جدا کنند، هویت آن فرهنگ خرد می شود.

بی توجهی به اهمیت زبان در تربیت می تواند موجب بروز مشکلاتی در جوامع گردد. کومبز (۱۳۷۳) معتقد است که مشکلات زبانی مدارس دنیا با گسترش مسایل مربوط به هویت فرهنگی که در دهه ی هفتاد در کشورهای در حال توسعه ایجاد شد. افزایش یافته است. این مشکلات به سه علت قابل رفع نبوده و حتی آنها را با تضادهای عملی عمده ای مواجه کرده است. اولاً. در بسیاری از مناطق کشور. زبان رسمی را فقط تعداد کمی از افراد می دانستند؛ ثانیة. زبان اروپایی کاملاً در نظام آموزشی جا افتاده بود و ثالثاً. آثار و اسناد مهم دانشمندان اغلب به زبانهای اروپایی بودند.

جایگاه زبان در وضوح بخشی به سطح اهداف فردی تربیت:

ارتباط زبان و تربیت در این سطح شامل ایجاد و بهبود رفتارهای زبانی فردی است. این رفتارها به ترتیب در اشکال

گوش کردن، تکرار کردن، خواندن، نوشتن. صحبت کردن، حل مسئله و تفکر عنوان شده است.

تفکر، فرآیندی است که میان محرک ها و پاسخها وساطت می کند و ابزار کار آن نیز مفاهیم با نمادها هستند. کلمات و گزاره های زبانی غالبا نمادهایی هستند که در اندیشیدن به کار می بریم (۶۹). مطلب قابل توجه این که مفاهیم و نمادهای زبانی و نه سخن گفتن و ناطق بودن ظاهری شرط لازم تفکر محسوب می شود و این بدان معنا است که هر متفکری لزوما نباید سخنگو باشد. در همین زمینه است که هولفیش و اسمیت (۱۳۸۱) نیز تفکر منطقی را به عنوان هدف تربیت، معرفی کرده اند.

جایگاه زبان در وضوح بخشی به سطح اهداف فردی تربیت:

ارتباط زبان و تربیت در این سطح شامل ایجاد و بهبود رفتارهای زبانی فردی است. این رفتارها به ترتیب در اشکال گوش کردن، تکرار کردن، خواندن، نوشتن. صحبت کردن، حل مسئله و تفکر عنوان شده است.

جایگاه زبان در وضوح بخشی به سطح اهداف جهانی تربیت:

در عالی ترین سطح کار کردهای زبانی فرد تربیت شده، می توان از سطح تعاملات جهانی و روابط بین الملل یاد کرد. با اقرار به رابطه ی عمیق و جدایی ناپذیر زبان و فرهنگ و

جایگاه تربیت در درک هر چه بهتر آن و هم چنین گسترش ارتباطات فرهنگی روزافزون انسان ها در سطح بین المللی به ویژه در شرایط جهانی شدن - نیاز هر چه بیشتر به انسان هایی با توانایی های بالا در رفتارهای سطح بالای زبانی توجیه پذیر است .

نتیجه ی تربیت در جهان امروز باید انسان هایی باشد که نه تنها به فرهنگ زمانه و شرایط خود آگاهی دارند بلکه با فرهنگ و تمدن های دیگر نیز آشنا بوده و می توانند با هر یک به نحو شایسته و مطلوب ارتباط برقرار کنند. این امر تا جایی اهمیت یافته که توانایی استفاده از زبان های بیگانه به گسترش حیات فرهنگی و حتی از بین رفتن موانع ژنتیکی انجامیده است .

جایگاه زبان در توسعه ی برنامه ریزی های آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش در اکثر جوامع پیشرفته از مهم ترین عوامل تغییر اجتماعی به حساب آمده و در این کشورها، خصوصا کشورهای توسعه یافته ی صنعتی زبان از اهمیت قابل توجهی در آموزش و پرورش برخوردار است.

تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی به لحاظ زبانی برای برنامه ریزی آموزش و پرورش چنین کشورهایی بسیار با ارزش است . در این خصوص، برنامه ریزی زبانی» از جمله فعالیت های گروهی و سازمان یافته ای است که بر عهده ی مؤسسات دولتی بوده و در سطح اجتماعی - فرهنگی زبان و برای حفظ ارزش

های فرهنگی و در راستای سیاست ها و اهداف زبانی یک کشور صورت می گیرد .

جایگاه زبان در توسعه ی تربیت معلم:

آشنایی مربیان با مسایل زبان شناسی، مجهز بودن آنان به این مهارتها. رفع موانع و ابهامات آنان در نحوه ی ایجاد ارتباط موفق با دیگران و چگونگی به کار بستن صحیح زبان، تأثیر عمده ای در تربیت آنان در مراکز تربیت معلم خواهد داشت.

پژوهش های بسیاری درباره ی چرایی، چگونگی و نتایج این امر صورت گرفته است. در این باره دلایل مختلفی علیه کاربرد زبان شناسی در تربیت معلم ابراز شده است: مانند این مطلب که تلاش های گذشته اغلب بر پایه ی انگاره های زبانی نامناسب و صرفاً صوری استوار بوده که در هر حال همگی در زبان شناسی نظری کهنه و منسوخ شده است.

جایگاه زبان در توسعه ی تدریس و تفهیم :

تعامل و ارتباط معلم - دانش آموز و هم چنین تعامل دانش آموز - دانش آموز در محیط آموزشگاه. زمینه ی مهمی برای تدریس و تفهیم است. تدریس در بستری از ارتباط اجتماعی اتفاق می افتد. بلک (۲۰۰۶) به نقش پر اهمیت تعامل معلم - دانش آموز در تثبیت موقعیت اجتماعی دانش آموزان در کلاس درس و هم چنین افزایش قدرت یادگیری آنان اشاره دارد. کریمی (۱۳۸۲) گفتگو را ترجمان تربیت و دموکراسی دانسته و این گونه اظهار

می دارد که راهبرد های اصلی در تربیت فعال- اهمیت دادن به فرهنگ گفتگو است. گفتگو متضمن بردباری در «هنر شنیدن» و بلندنظری در «فرآیند اندیشیدن» و تکرارگری در تولید گفتمانهای مختلف است.

بحث و نتیجه گیری:

تنها متولی توجه به نقش و جایگاه زبان در تعلیم و تربیت، دانش جدیدی با عنوان «زبانشناسی تربیتی» است. این دانش به بررسی موضوعات گوناگونی می پردازد که از جمله مهم ترین آنها می توان به مباحثی هم چون؛ تنوع زبانی، زبان معیار (رسمی)، مهارتهای زبانی (گفتار، نوشتار، خواندن، گوش سپردن)، واژه آموزی، تحلیل گفتمان (تعامل دانش آموز - معلم)- تدریس زبان زبان مادری، زبان دوم، زبان بیگانه ی جدید، زبان کلاسیک). برنامه ریزی درسی زبان (در ارتباط با نقش و موقعیت های زبانهای مختلف در نظام آموزشی)، زبان و یادگیری (ماهیت زبان در کلاس درس). دستور آموزی (قواعد دستوری)، مطالعه مقایسه ای (در فرایند یادگیری زبان خاص و تحلیل خطا اشاره نمود .